

## مروری بر ۴۳ سال حاکمیت اسلام سیاسی در ایران!

چهل و سه سال از حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی گذشت. این حکومت که با توافق دول امپریالیستی غرب به هدف تقویت کمربند سبز اسلام سیاسی و جلوگیری از نفوذ کمونیسم و با تکیه بر توهم میلیون ها انسان تهیدست و بجان آمده از ستم و استبداد شاهنشاهی به قدرت رسیده بود، انقلاب مردم را از همان آغاز به خاک و خون کشید و با همه توان کوشید تا هر نوع صدای حق طلبانه و مخالفی را در نطفه خفه کند. دادگاههای چند دقیقه ای، کشتارهای گروهی، تعطیل دانشگاه ها، انقلاب ایدئولوژیک - فرهنگی، سرکوب دانشجویان و استادان آزادیخواه، سرکوب زنان، ملیت ها، دگر اندیشان و دگر کیشان صفحات خونین حیات ننگین رژیم را از همان آغاز رقم زد.

این سرکوب ها، اما با اعتراضات اکثریت مردم روبرو شد و بجز توده ی متوهمی که عکس خمینی را در ماه می دیدند، دیگر لایه ها و طبقات جامعه در مقابل سرکوب ها ایستادگی کردند چراکه آنها زندگی در شرایط اختناق، سرکوب، تهیدستی و بی آیندگی را دهها سال تجربه کرده بودند و اکنون آزادی و زندگی توأم با کرامت انسانی را طلب می کردند. خمینی برخلاف وعده هایی که داده بود، پس از بازگشت نابودی همین خواستها را هدف قرار داد و نیروهای متوهم مذهبی را در مساجد، کمیته ها و تشکل های گوناگون جهت شناسایی، دستگیری و ترور مخالفین خود سازماندهی کرد. دخالت این گروه های تاریک اندیش در زندگی مردم، حتی در خصوصی ترین جنبه های زندگی شخصی آنها چون نوع لباس و پوشش، برقراری سانسور، محدود کردن دسترسی مردم به رایانه، جمع آوری دستگاههای ماهواره ای، محدود کردن امکانات هنری و فرهنگی، بستن سینما ها، کنترل یا تعطیل مراکز فرهنگی، کنترل راه ها و محلات برای دستگیری افراد تحت عناوین منافق، باغی و مرتد، خفقان غیر قابل تصویری را بر جامعه تحمیل کرد.

خمینی در عین برپا کردن چوبه های دار برای پیشبرد انقلاب ایدئولوژیک - فرهنگی خود، دستور گروگانگیری کارکنان سفارت امریکا را صادر کرد و زمینه تحریم ها را بوجود آورد و یکسال بعد براساس این باور که: « ما باید اسلام را به پیش ببریم و به همه جای دنیا انشاالله صادر کنیم و قدرت اسلام را به ابر قدرت ها بفهمانیم.» جنگ با عراق را به راه انداخت، جنگی که طبق گزارش های رسمی یک میلیون کشته و ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارت بر جامعه ای که درگیر بحران های چند گانه بود، وارد ساخت. او که بعد از شکست مفتضحانه سیاست خود مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد و نوشیدن جام زهر شد، دستور داد تا حدود پنج هزار زندانی سیاسی (طبق گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد ۳ تا ۴۴۸۳ نفر) که بسیاری حتی دوران زندان خود را به پایان برده بودند، را قتل عام کنند. این جنایت هولناک در تاریخ معاصر جهان اعتراضات سراسری خانواده های جانباختگانی که تنها گناهشان داشتن اندیشه ای متفاوت بود، را در پی داشت. از آن پس جنبش دادخواهی مادران پارک لاله

و... اعتراضاتشان تا به امروز ادامه یافته است.

قتل روشنفکران و نویسندگان ( قتل های زنجیره ای ) را جمهوری اسلامی از همان دهه ی نخست آغاز کرد و دامنه ی آن به قتل فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان، ملیت ها، فعالین محیط زیست، بهائیان و درویش در شکنجه گاههای پیدا و پنهان بسط پیدا کرد. رژیم به موازات این کشتارها در داخل، تروریسم دولتی و کشتار مخالفین در خارج را تا به امروز ادامه داده است. رقم این ترورها را بنیاد عبدالرحمن برومند تا دهه ی نود چهارصد نفر گزارش کرده است.

دشمنی رژیم با مردم تنها به حوزه های فوق محدود نمی شود. رژیم به پیروی از سیاست نئولیبرالی که دولت رفسنجانی مجری اصلی آن بود، به هر طریقی که توانسته به حقوق ناچیز کارگران و زحمتکشان دستبرد زده است و تشکل های مستقل آنها را با ترفند های گوناگون از میان برده است. حتی در سال ۳۸۲ ازمانی که کارگران به وضعیت فلاکت بار خود اعتراض کردند، آنان را از زمین و هوا به رگبار بست که در اثر آن چهار کارگر کشته شدند.

کارگران، اما هرگز از مبارزه برای رسیدن به خواست های خود از جمله افزایش حقوق و دریافت حقوق های معوقه خود از پاننشسته اند. آنها در همه مناطق کارگری چون هپکو، آذرآب، نیشکر هفت تپه و در خیزش های سراسری دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ از پی گیری مطالباتی چون تشکل مستقل، بازگشت همکاران اخراج شده ی خود به کار و لغو خصوصی سازی ها دست نکشیدند. شعار: « نان، کار، آزادی، اداره شورایی » آنها امروزه جانمایه مبارزات سراسری همه کارگران و زحمتکشان ایران است. تلاش جمهوری اسلامی برای سرکوب زنان با تحمیل قانون مجازات اسلامی سنگسار، قصاص و دیه، با اعتراضات گسترده روبرو شد. آنها برای برابر حقوقی با مردان، حق طلاق، سرپرستی فرزند و علیه سیاست های مرد سالارانه و خشونت های ناموسی، جنسی و خانگی مبارزه کرده اند. اسید پاشی و تباه کردن جسم و جان زنان نتوانست جلوی فعالیت های حق طلبانه آنان را بگیرد. آنها به شیوه های گوناگون از جمله در حرکت « دختران انقلاب » علیه حجاب اجباری، کارزار مقابله با آزار جنسی ( کمپین « من هم » ) به مبارزه خود علیه ستم مضاعفی که به آنها تحمیل می شود، ادامه داده و در جنبش ها و اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران و دانشجویان و در همبستگی با مردان در صف نخست این مبارزات حضور داشته اند.

طی چهل و سه ساله گذشته جمهوری اسلامی تنها امیال ضد بشری و واپسگرایانه خود را پیش برده است. کافی است به رویکرد رژیم به پاندمی کرونا توجه کرد تا به عمق رذالت و مردم ستیزی آن پی برد. سهل انگاری رژیم در اقدام بموقع، در عمل، روزانه صدها نفر را به کام مرگ فرستاده است. رژیم نه تنها برای این فاجعه ی جهانی هیچگونه برنامه ای نداشت بلکه با تبلیغ واکسن « ملی » که معلوم نبود چه زمانی تهیه خواهد شد و چه سازمان معتبر جهانی آنرا تایید خواهد کرد و ممنوع کردن خرید واکسن از انگلیس و امریکا عملاً در کشتار مردم شرکت داشته است.

بی توجهی به جان انسانها تنها به بحران کرونا محدود نمی شود. رژیم جمهوری اسلامی همچنان از پذیرش کشتار ۱۶۷ مسافر هواپیمای اوکراینی در تهران طفره می رود و حاضر نیست جنایتی که مرتکب شده را بپذیرد. مردم حق طلب ایران و همه ی سازمانهای و کانون های بشردوست اما، همانگونه که در دادگاه « ایران تریبونال » در لاهه، دادگاه مردمی بررسی کشتار آبان ۹۸ در لندن و دادگاهی که هم اکنون در سوئد حمید نوری یکی از دست اندر کاران قتل های تابستان ۶۷ را محاکمه می کند، از تلاش در جهت افشای جنایاتی که جمهوری اسلامی همواره مرتکب شده است، دست نکشیده اند.

جمهوری اسلامی طی چهل و سه سال گذشته بستر ساز اصلی مافیاهای زمین خواری، جنگل خواری، کوه خواری و تصاحب سواحل دریاها بوده که همه در اختیار دستگاههای نظامی - امنیتی، بیت امام، سپاه، استانداری ها، شهرداری ها و امام جمعه ها قرار دارند. استفاده غیر کارشناسی این ارگانها از آبهای سطحی، آبهای زیرزمینی، آب آشامیدنی و سد سازی های بی رویه نه تنها موجب خشکسالی، بیابان زایی، نابودی قناتها، دریاچه ها، رودخانه ها و تالابها شده، بلکه زندگی و معاش میلیونها کشاورز را از بین برده و آنها را به حاشیه نشینان شهرهای بزرگ تبدیل کرده است. حاکمان خود اذعان دارند که شصت میلیون نفر زیر خط فقرند و چهل میلیون از این شصت میلیون زیر خط مطلق فقر زندگی می کنند. بیست میلیون فارغ التحصیل بیکارند و شمار بسیاری از مردم به دلیل نداشتن سرپناه به گورخوابی، پشت بام خوابی و اتوبوس خوابی پناه برده اند. فقر و فلاکت چنان گسترش پیدا کرده است که مردم مجبور شده اند فرزندان خود را بفروشند. طبق گزارشات روزنامه های دولتی در بهار سال گذشته تعداد دختران ده تا چهارده ساله ای که فروخته شده به ده هزار نفر رسیده است.

تورم طبق آمار رسمی ۴۵ در صد و تورم اقلام خوراکی مورد نیاز ۶۱ در صد است. اجاره بهای مسکن پانصد برابر شده است. این همه در حالی است که رژیم سالانه میلیاردها دلار از ثروت ملی را در جنگ های نیابتی فرقه ای و چند برابر کردن بودجه حوزه های علمیه و دیگر نهادهای تبلیغی خود اختصاص داده است، بدون توجه به پایه ای ترین خواست های مردم که از همان آغاز در دو شعار: « فلسطین و رها کن، فکری به حال ما کن » و « نه غزه ، نه لبنان، جانم فدای ایران » فریاد می شد.

مبارزات توده های تحت ستم و سرکوب نهادینه شده امروزه گسترده تر از همیشه در سراسر کشور ادامه دارد. در سال گذشته شاهد ۱۴۰۰ حرکت اعتراضی و اعتصابی بوده ایم. جنبش کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، جنبش دانشجویی و محیط زیست، خیزش مردم خوزستان، اعتراضات مردم سیستان و بلوچستان و مردم اصفهان به کمبود آب و خشکسالی... همگی عزم راسخ مردم را برای دستیابی به نان، کار، و آزادی نشان می دهد.

برج و باروی هزار و چهارصد ساله خلافت اسلامی ترک برداشته است. ضروری است با اعتصابات سراسری به رهبری طبقه کارگر و در پیوند با همه جنبش های مدنی، دمکراتیک و آزادیخواهانه ستون های موروثی، توحیدی، رفاهی و تحولی آنرا به زیر کشید و راه را برای جامعه ای فارغ از استثمار و تاریک اندیشی و وابستگی هموار ساخت. مسئولیت خود در این امر حیاتی را فراموش نکنیم!

ح. ریاچی

۲۵ بهمن ۱۴۰۰